

آسیب‌شناسی نظام بیمه کشاورزی پژوهش موردی: شهرستان کرمانشاه

دکتر امیرحسین علی‌بیگی*، زهره آدینه‌وند**

چکیده

این پژوهش، با هدف کلی آسیب‌شناسی نظام بیمه محصولات کشاورزی، انجام گرفته و هدفهای اختصاصی آن دربردارنده شناسایی و اولویت‌بندی آسیبهای نظام بیمه محصولات کشاورزی از دیدگاه کشاورزان پذیرنده بیمه در دهستان درود فرامان و کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی در شهرستان کرمانشاه است. روش پژوهش به کار رفته، یکی از روشهای تحقیق کیفی، به نام «نظریه بنیانی» است. در آغاز، با بهره‌گیری از روشهای مختلف (از جمله: مصاحبه، بحث گروهی متمرکز و روشهای مانند آن) از کشاورزان دهستان موردنظر و کارشناسان مشغول به فعالیت در شهرستان کرمانشاه، داده‌ها جمع‌آوری گردید؛ آنگاه، پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده با استفاده از کدگذاریهای سه‌گانه نظریه بنیانی، مدل آسیبهای شناسایی شده در نظام بیمه ارائه شد. سپس با به‌کارگیری روش رتبه‌بندی زوجی که از جمله روشهای ارزیابی مشارکت روستایی است، اولویت‌بندی آسیبهای شناسایی شده از سوی هر دو گروه مورد مطالعه، انجام پذیرفت. برای دستیابی به اعتبار مدل طراحی شده نیز، روشهای مختلفی همچون مثلث‌سازی، کنترل اعضا و روشهای دیگری مانند آن، به کار رفت. برپایه مدل ارائه شده، نظام بیمه محصولات کشاورزی با آسیبها و موانعی روبه‌روست که دربرگیرنده: دشواریهای تأمین اعتبارات نظام بیمه، افزایش نیافتن و به‌کارنبردن دانش نظری، پایین بودن سطح مهارت و تخصص کارشناسان بیمه، سیاستگذاری و قانونگذاری نامناسب، پایین بودن سطح خدمات ارائه شده به مشتری، بستر نامناسب فرهنگی و به‌کار نگرفتن فناوریهای نوین، نبود امنیت شغلی برای کارشناسان و تلاش نکردن آنها برای بهبود روابط سازمانی، بی‌توجهی به حقوق ارباب‌رجوع و سرانجام، پایین بودن سطح مشارکت آنها در نظام بیمه است. از همین‌رو، چنانچه صندوق بیمه کشاورزی بکوشد که این آسیبها را از میان بردارد؛ تا اندازه بسیاری خواهد توانست، در دستیابی به هدف نهایی خود، یعنی توسعه بخش کشاورزی، موفق عمل کند.

کلیدواژه‌ها:

صندوق بیمه کشاورزی، آسیب‌شناسی، نظام بیمه، نظریه بنیانی، شهرستان کرمانشاه.

Email: baygi1@gmail.com

* دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

Email: adinseven@yahoo.com

** کارشناس ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی (نویسنده مسئول)



مقدمه

آسیب‌شناسی نظام بیمه کشاورزی، شناسایی موانع و چالش‌های پیش‌روی این نظام و اولویت‌بندی آنها، بی‌گمان می‌تواند، در توسعه آن مؤثر باشد؛ به گونه‌ای که برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی را توانمند خواهد ساخت، تا آنجا که می‌شود، با رفع آسیب‌های کنونی، شرایط بهتری را برای پذیرش بیشتر بیمه محصولات کشاورزی در میان کشاورزان، فراهم آورند. در نهایت، توسعه بیمه می‌تواند، نقش چشمگیری نیز، در جبران خسارتهای وارد شده به این بخش داشته باشد و زمینه‌های تضمین استقلال مالی صندوق بیمه کشاورزی و رهایی از وابستگی مالی به دولت را هم، فراهم آورد (۶).

دولتها، به دلیل اهمیت بی‌اندازه بخش کشاورزی، همواره کوشیده‌اند، با برنامه‌های مختلف، به گسترش دادن و فراگیر ساختن بیمه در میان کشاورزان کمک کنند؛ این در حالی است که پذیرش بیمه کشاورزی در جامعه روستایی، مانند هر نوآوری دیگری از سوی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، با مقاومت روبه‌رو می‌شود یا به کندی پیش می‌رود و فرایند آن نیز، زمانبر است (۹).

از همین‌رو، بیمه با پیشینه چندساله‌اش در ایران، هنوز نتوانسته است، به طور جدی و گسترده، در بافت باورهای اجتماعی و فرهنگ کشاورزان رخنه کند و در مورد هیچکدام از محصولات کشاورزی نیز نتوانسته است، تمامی کشاورزان را زیرپوشش قرار دهد و زمینه مشارکت همه آنها را در بیمه همگانی کشاورزی فراهم آورد. این امر برگرفته از یکرشته عوامل است که باید شناسایی شود و برای توسعه بیمه در میان کشاورزان، مورد توجه قرار گیرد (۸).

در واقع همین عوامل است که دشواریها و تنگناهایی را در نظام بیمه محصولات کشاورزی ایران به همراه آورده، تا آنجا که نظام بیمه کشاورزی نتوانسته است، آن گونه که باید و شاید، در سطح کشور مورد استقبال جدی کشاورزان استانهای مختلف قرار گیرد.

استان کرمانشاه نیز از این امر، جدا نیست. برپایه اطلاعات به‌دست آمده از صندوق بیمه کشاورزی، این استان، نسبت به دیگر استانهای کشور، از نظر استقبال کشاورزان از بیمه کشاورزی، در رتبه چهاردهم، جای گرفته است و تنها درصد اندکی از کشاورزان آن به بیمه کردن محصولات خویش روی آورده‌اند. بدینسان، یافتن علتها و عاملهای ریشه‌ای پدید آورنده این چالشها و دشواریها و شناسایی و رفع عاملهای اصلی استقبال اندک کشاورزان از بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان



کرمانشاه، زیر عنوان آسیبهای تهدیدکننده نظام بیمه محصولات کشاورزی، برای حفظ حیات و موفقیت این نظام در شهرستان کرمانشاه، امری ضروری است.

در همین راستا، پژوهشها و بررسیهای گوناگونی انجام گرفته که در ادامه مقاله، نتیجه برخی پژوهشهای داخلی و خارجی در زمینه بررسی نظام بیمه کشاورزی و چگونگی آن بیان شده است. از آن جمله، هیزل^۱ (۱۹۹۲) در زمینه کارکرد مناسب بیمه کشاورزی در کشورهای در راه توسعه، به تشریح یافته‌ها و دیدگاههای خود پرداخته است. وی در این زمینه، بویژه بر اجرای نومیدکننده برنامه بیمه محصولات در این کشورها به دلیلهایی همچون نسبت بالای خسارت و هزینه‌های اجرایی و همچنین، بر شواهد ناکافی برای نشان دادن تأثیر مثبت بیمه محصولات زراعی، بر بهره‌وری تولید و درآمد تأکید می‌کند (۱۵).

در پژوهشی دیگر که از سوی میشر^۲ (۱۹۹۹) صورت گرفت، عاملهای مؤثر بر پذیرش و گسترش نظام بیمه کشاورزی در ایالت گجرات هندوستان بررسی شد که پژوهشگر، برپایه یافته‌های آن، مهمترین عاملهای توسعه نظام بیمه کشاورزی را افزایش سطح پوشش بیمه‌های کشاورزی، شناسایی گروه هدف، تأمین اعتبارات لازم برای جبران خسارت و برقراری ارتباطات مناسب با کشاورزان، دانسته است (۱۶).

اکساز و ازکان^۳ (۲۰۰۵) نیز، برپایه یافته‌های پژوهش خود، بر این باورند که، برنامه‌های بیمه سنتی کشاورزی به دلیل هزینه بالای اداری، انتخاب ناسازگار و مخاطره‌های اخلاقی، به شکست مالی می‌انجامد و تاکنون هیچ‌یک از برنامه‌های بیمه کشاورزی در دنیا نتوانسته است، غرامتهای پرداختی و هزینه‌های اداری خود را با جمع‌آوری حق‌بیمه، پوشش دهد (۱۳).

افزون بر آن، حیدرپور و ایروانی (۱۳۸۵) طی پژوهشی با عنوان «بررسی چالشها و تنگناهای توسعه بیمه کشاورزی در دو بخش دولتی و خصوصی ایران»، به بررسی و واکاوی تنگناها، دشواریها و چالشهایی پرداختند که بیمه کشاورزی کشور در دو بخش دولتی و خصوصی با آنها روبه‌روست. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بخشی از عاملهای محدودکننده بیمه کشاورزی دولتی در ایران، به بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیرون از بخش کشاورزی مرتبط است و از عاملهای برونزا به شمار می‌رود و پاره‌ای دیگر نیز، به صورت درونزا به ساختار بخش کشاورزی و شرایط ویژه آن وابسته است (۵).

1. Hazell
2. Mishra
3. Akcaoz & Ozkan





کرمی و همکاران (۱۳۸۶) نیز، پژوهشی با هدف واکاوی پایداری نظام کنونی بیمه محصولات کشاورزی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن انجام دادند که یافته‌های این پژوهش، نمایانگر ناپایداری نظام بیمه محصولات کشاورزی است (۱۰). از سویی دیگر، راستگو و رضوانفر (۱۳۸۶) نیز، عاملهای مؤثر بر توسعه بیمه محصولات راهبردی کشاورزی را در شهرستان خدابنده مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، با توجه به پایین بودن رضایت کشاورزان از عاملهایی همچون سرعت پرداخت غرامت و مقدار غرامت دریافتی، پیشنهاد شده است که با به‌کارگیری راهکارها و تمهیدهایی از سوی صندوق بیمه کشاورزی، پرداخت غرامت به کشاورزان آسیب دیده، با سرعت و دقت بیشتری انجام گیرد تا موجب افزایش انگیزه کشاورزان شود (۷). این در حالی است که بهرامی و آگهی (۱۳۸۴) هم در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان قروه»، نشان دادند که عاملهایی همچون کم بودن خطرهای زیرپوشش، مورد توجه قرار دادن بیمه گندم دیم به عنوان اولویتی مهم و درخور ژرفنگری از سوی تصمیمگیران، برگزاری دوره‌های آموزش غیررسمی در مورد چگونگی برآورد خسارت، استفاده از کارکنان باتجربه و توجه به ابعاد مختلف توسعه در مناطق روستایی، از جمله عاملهای مؤثر بر پذیرش به شمار می‌آیند (۳).

از دیگرسو، نتایج پژوهش نعیمی نظام‌آبادی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد، شناخت و آگاهی کشاورزان از بیمه محصولات کشاورزی و مزیت‌های آن و نیز، عملکرد مناسب صندوق بیمه کشاورزی در انجام تعهدات و ارائه خدمات بهتر به مشتریان، در رضایتمندی مشتریان از بیمه مؤثر است (۱۲).

قربانی، کرباسی و فرهمند (۱۳۷۹) نیز، در مطالعه‌ای دیگر در زمینه عاملهای مؤثر بر پذیرش بیمه محصولات کشاورزی، نشان دادند که افزایش سطوح بیمه و بررسی عاملهای مؤثر بر تقاضای آن بر سیاستگذاران، می‌تواند نقش مهمی در راستای شناخت نقطه ضعف‌ها و قوت‌های این فرایند داشته باشد. برآورد مدل لجستیک آنان نشان داد که داشتن عملکرد منظم در مورد بیمه محصولات، برای توسعه این صنعت بسیار سودمند است و ریسک را هم کاهش می‌دهد.

پیشینه مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد، به رغم انتظارهایی که از به‌کارگیری نظام بیمه محصولات کشاورزی برای ایجاد امنیت اقتصادی و افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشور می‌رود، در این نظام، افزون بر تنگناها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، اجرای آن نیز، با چالشها و دشواریهایی روبه‌روست؛ از همین‌رو، این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات و تنگنای اقتصادی،

اجتماعی و اجرایی صندوق بیمه کشاورزی از دیدگاه کارشناسان این صندوق در شهرستان کرمانشاه، انجام پذیرفته است.

روش و ابزارهای پژوهش

روش به‌کار رفته در این پژوهش که از دیدگاه ماهیت، از نوع پژوهش‌های کیفی و از نظر هدف، در شمار پژوهش‌های کاربردی است، «نظریه بنیانی» بوده و پژوهشگر، با انجام این روش به دنبال آن است که مدلی برای آسیب‌های شناسایی شده از سوی دو جامعه مورد مطالعه، ارائه دهد. از آنجا که تاکنون پژوهش مدونی که معرفی‌کننده این مدل در شهرستان کرمانشاه باشد، صورت نگرفته و پژوهشگر نیز نمی‌توانسته است، بر پایه حدس و گمان، چنین مدلی را ارائه کند؛ بنابراین استفاده از روش نظریه بنیانی، ضروری می‌نماید.

درفرآیند گردآوری داده‌ها، روش‌های مختلفی همچون مصاحبه عمیق (ژرفنگر) انفرادی، بحث گروهی متمرکز و مشاهده غیرمشارکتی، در هر دو جامعه مورد بررسی، به‌کار رفته است. هماهنگ با روش مورد پژوهش، نمونه‌گیری هر دو جامعه نیز، با روش نمونه‌گیری نظری، انجام پذیرفت. در نمونه‌گیری نظری که به عنوان روش برتر در نظریه بنیانی شناخته می‌شود، نمونه‌ها به گونه‌ای برگزیده می‌شوند که به آفریدن نظریه کمک کنند (۱۴).

در این مطالعه نیز، در آغاز، گزینش و انتخاب افراد به صورت اتفاقی صورت گرفت. سپس از افراد موردنظر خواسته شد تا کسانی را معرفی کنند که از اطلاعات جامع‌تری پیرامون نظام بیمه محصولات کشاورزی برخوردارند و بیشتر از دیگران، توانایی تشخیص و شناسایی مشکلات و تنگناهای پیش‌روی آن را دارند. بدینسان، پژوهشگر، از راه پرس و جو از دیگران، با افراد آگاه آشنا شد و آنها را به همکاری و شرکت جستن در مصاحبه از راه برقراری تماس تلفنی و حتی دعوت حضوری، تشویق کرد. در جامعه کشاورزان، دسترسی به افراد مطلع و آگاه، آسانتر انجام پذیرفت، زیرا، هنگام حضور در روستا و مراجعه به افراد معرفی‌شده، با توضیح‌هایی در این زمینه که خود کشاورزان، سودبران (ذینفعان) این پژوهش به شمار می‌آیند؛ بیشترشان، با شور و خشرویی به همکاری می‌پرداختند. نمونه‌گیری در هر دو گروه نیز تا آنجا ادامه یافت که اطلاعات به‌دست آمده از نمونه‌های انتهایی، دیگر نمی‌توانست طبقه جدیدی را در میان طبقه‌های کدگذاری شده ایجاد کند و در نهایت، مواردی را دربر می‌گرفت که به‌عنوان زیر طبقه‌های تعیین شده پیشین، در نظر گرفته می‌شدند و



در واقع، پژوهشگر، به اشباع نظری دست یافت. بدینسان، اطلاعات به دست آمده از جامعه کشاورزان طی انجام مصاحبه با ۳۸ نفر از آنها در روستاهایی که بیشترین پذیرندگان بیمه کشاورزی را به خود اختصاص می‌دادند و برگزاری ۴ جلسه بحث گروهی متمرکز با تشکیل گروه‌های ۶ و ۸ نفره، به اشباع نظری رسید.

در گردآوری اطلاعات برگرفته از جامعه کارشناسان نیز، پژوهشگر طی مصاحبه با ۲۵ نفر از کارشناسان با تجربه صندوق و ۳ جلسه مصاحبه گروهی ۵ نفری، به اشباع نظری دست پیدا کرد.

افزون بر دو روش پیشگفته در این پژوهش، از روش مشاهده غیرمشارکتی نیز استفاده شد. بدین گونه که پژوهشگر، هنگام برقراری ارتباط مستقیم و چهره‌به‌چهره با مشارکت‌کنندگان، به سخنان آنها گوش می‌داد و با شنیدن صدای آنان، شادی، غم، ناراحتی و یا اضطراب درونی آنان را بخوبی درک می‌کرد و به ثبت مشاهده‌های خود می‌پرداخت. همچنین، پژوهشگر، در ۲ جلسه کلاس آموزشی برگزار شده از سوی صندوق بیمه به شکل غیرمشارکتی شرکت کرده بود و مشاهده‌های خود را از رابطه‌های برقرار شده میان کارشناسان مدرس و شرکت‌کنندگان، پرسش و پاسخ‌های رد و بدل شده بین آنها، نظرهای اعمال شده از سوی کشاورزان بیمه‌گذار و شیوه بیان اعتراضها و نارضایتی‌های آنان از فعالیتهای صندوق، به ثبت رسانید.

در پژوهش کیفی نیز، باید روشهایی را به کار گرفت که برای دستیابی به اطمینان از درستی و استواری پژوهش (صحت و استحکام تحقیق)، که هم‌ارز با روایی و پایایی در تحقیق کمی است، معرفی شده‌اند (۲). در پژوهش پیش‌رو، پژوهشگر در تلاش بود تا از روشهای مختلف، به تأیید اعتبار پژوهش دست یابد. بدینسان، افزون بر حفظ شرایط لازم برای معتمد بودن خود پژوهشگر و دارا بودن حساسیت نظری، در گردآوری داده‌ها از روشهای دیگری نیز برای دستیابی به این امر مهم استفاده شد. این روشهای به کار رفته را می‌توان کاربرد دو شیوه تئلیث (مثلث‌سازی یا سه‌گانه‌سازی) و روش کنترل اعضا برای دستیابی به اعتبار درونی پژوهش، استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و مقایسه مداوم نتایج با یادداشتها و مصاحبه‌ها در هنگام انجام کدگذاری برای دستیابی به اعتبار بیرونی یا قابلیت انتقال‌پذیری و انجام بازبینی نهایی داده‌های خام و مقایسه آن با نتایج به دست آمده برای رسیدن به قابلیت تأییدپذیری، در نظر گرفت.

در پایان، با استفاده از روش رتبه‌بندی زوجی که یک روش ارزیابی مشارکتی برای اولویت‌بندی معیارها و انتخابهای جامعه است، اولویت‌بندی آسیبهای شناسایی شده در هر دو گروه، به صورت جدا از هم، انجام پذیرفت.



یافته‌های پژوهش

در فرایند جمع‌آوری یافته‌ها، پژوهشگر از یکسو، با انجام ۳۸ مصاحبه عمیق (ژرفنگر) به مدت ۱۸ ساعت با کشاورزان آگاه و مطلع و تشکیل ۴ بحث گروهی متمرکز در گروه‌های ۶ و ۸ نفری توانست، در مطالعه جامعه کشاورزان به اشباع نظری برسد و از دیگرسو، با انجام ۲۵ مصاحبه عمیق (ژرفنگر) با کارشناسان با تجربه به مدت ۱۲ ساعت و ۲ جلسه بحث گروهی متمرکز با افراد دعوت شده به بحث، به اشباع نظری دست یابد. همزمان با اقدام‌های پیشگفته، پژوهشگر توانست در کنار انجام مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی در ۲ جلسه آموزشی- ترویجی ارائه شده برای آشنایی بیمه‌گذاران با فعالیتهای صندوق بیمه نیز شرکت کند و یافته‌های خویش را از روش مشاهده غیرمشارکتی به ثبت رساند. همزمان با ثبت و ضبط دقیق و بی‌کم‌وکاست یافته‌های به‌دست‌آمده، پژوهشگر به‌طور ناخودآگاه، وارد مرحله تحلیل داده‌ها و کدگذاری داده‌ها شد.

طی فرایند تجزیه و تحلیل یافته‌ها در روش نظریه بنیانی، سه مرحله کدگذاری که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار می‌روند عبارت است از: کدگذاری باز، محوری و انتخابی، که هر پژوهشگر می‌تواند کدگذاری متفاوتی داشته باشد و این مرحله‌ها نیز، لزوماً پی‌درپی نیستند (۱).

در مرحله کدگذاری باز، همزمان با ثبت و ضبط عین عبارتهای گفته شده از سوی مصاحبه شونده و نتایج برگرفته از بحث گروهی متمرکز، تلاش بر آن بود تا نتایج بر روی کاغذ، به نگارش درآید و در نهایت، واژه‌ها و عبارتهای اصلی نقل‌قول‌ها برای کدگذاری استخراج شوند. هر عبارت بر روی یک برگه ثبت شد. عبارت به‌دست‌آمده، دربردارنده تمام جمله‌هایی می‌شد که یک مفهوم واحد را می‌رساندند. سپس به مفاهیم برگرفته شده از کشاورزان مورد بررسی، کد (F) و به مفاهیم برگرفته شده از بررسیها بر روی کارشناسان هم، کد (E) اختصاص یافت و در مجموع ۳۶ مفهوم از کشاورزان و ۵۰ مفهوم از کارشناسان به دست آمد. مفاهیم و خرده مقولات فراهم گردیده در این مرحله، همگی در جدول شماره ۱ به تفصیل شرح داده شده‌است:

جدول شماره ۱: آسیبهای شناسایی شده در نظام بیمه محصولات کشاورزی

از دیدگاه کشاورزان و کارشناسان مورد بررسی.

خرده مقولات	کدها	مفاهیم
جامع و مانع نبودن قوانین بیمه	F01	نداشتن دستیابی به آمار دقیق از هزینه واقعی تولید در تعیین سقف تعهدات بیمه‌ای
	F02	کم بودن خطرهای زیر پوشش بیمه
	F03	وجود قوانین نامناسب بیمه‌ای
	F04	بی‌برنامه‌گی و قانونمند نبودن فعالیتهای بیمه
	F05	تعیین درصد خسارت یکسان برای کل مزارع در هر منطقه
	F06	در نظر نگرفتن تشویق و تخفیف برای بیمه‌گذاران خسارت ندیده
سیاست‌گذاری سلیقه‌ای و نامناسب مدیران	E01	تأسیس کمیته فنی و بالا بودن کارمزد در گرفته شده برای آنها
	E02	افزایش هرساله تعرفه‌های بیمه بدون بهبود یافتن خدمات
	E03	نبود بیمه عملکرد در بیمه محصولات زراعی
	E04	تعیین درصد خسارت یکسان برای تمام زمینهای مربوط به یک منطقه
	E05	بیمه کردن سطوح زراعی بر پایه گفته‌های کشاورزان و پدید آمدن مشکلیها
	E06	ضعف نظام بیمه استان در گستره محصولات زراعی دیم
	F07	زمان نامناسب انجام ارزیابیها
	F08	جابه‌جایی همه ساله کارشناسان ارزیاب در مناطق و آشنایی نداشتن آنان با مناطق جدید
	F09	بی‌توجهی صندوق، در زمینه توسعه بیمه در مناطق آبی‌کار
	F10	ارائه نشدن خدمات به تمام محصولات و تنها توجه به تولید غالب در هر منطقه
	F11	ارزیابی‌های هرساله و خسته کننده کارشناسان ارزیاب
	E07	نبود برنامه مدون و منسجم در ساختار نظام بیمه
E08	نقض برخی قوانین بیمه‌ای وضع شده از سوی مدیران	
E09	ارزیابیهای مکرر و هرساله با وجود ثابت بودن سطح بیشتر زمینهای زیر کشت	
E10	تأکید مسئولان بر ترویج بیمه تولید غالب منطقه و بی‌توجه به دیگر پوششها	
E11	نامناسب بودن زمان انجام ارزیابیها	
E12	افزایش دادن حجم کار ارزیابان	



خرده مقولات	کدها	مفاهیم
	E13	تأثیرپذیر بودن از فاکتورهای غیرکارشناسانه فعالیت ارزیابی
	F12	ناعادلانه بودن ارزیابی‌ها
	F13	به‌کار نگرفتن کارشناسان با تجربه و کارآموده
پایین بودن	F14	نداشتن رضایت از فعالیت کارشناسان ارزیاب زن
سطح تخصص	F15	نارضایتی از فعالیت و اطلاع‌رسانی کارشناسان بیمه‌گر
و مهارت	F16	برگزاری کلاسهای آموزشی-ترویجی در مکان و زمان نامناسب
کارشناسان به	E14	افزایش جذب نیروی غیرمتخصص و تازه‌کار در نظام بیمه
کارگرفته	E15	تلاش نداشتن و نبود برنامه‌ریزی برای حفظ کارشناسان باتجربه
	E16	مناسب نبودن فعالیت ارزیابی برای کارشناسان زن
	E17	به‌کارگیری بیمه و بیمه‌گران ارزاقیمت و غیرمتخصص از سوی شرکتهای بیمه
ضعف صندوق	F17	مجهز نبودن نظام بیمه به سامانه ارسال پیامک کوتاه برای اطلاع‌رسانی بموقع
بیمه در به	F18	نبود اطلاع‌رسانی بیمه‌ای از راه رسانه‌های جمعی
کارگیری	E18	مشکلهای سیستم نرم‌افزاری طراحی شده (سابقه) برای بیمه
فناوریهای نوین	E19	برخورد نبردن نظام بیمه از سامانه پیامکی برای اطلاع‌رسانی بروز به بیمه‌گذاران
	F19	تطابق نداشتن میان سطوح زراعی بیمه شده از سوی کشاورزان و سطوح تأیید شده از سوی ارزیابان
	F20	احترام نگذاشتن به حقوق کشاورزان
نبود توجه	F21	استقرار نداشتن کارشناسان صندوق بیمه در مناطق روستایی و هزینه بردار بودن فعالیت بیمه‌گری برای کشاورزان
کافی به حقوق	F22	تعیین درصد کمتر از درصد واقعی خسارت وارد شده به مناطق از سوی کمیته فنی
ارباب رجوع در	F23	نبود ساختار سازمانی مشخص برای رسیدگی به امور و شکایتهای بیمه‌گذاران
نظام بیمه	F24	رسیدگی نکردن مستقیم مسئولان به نیازهای ارباب رجوع
	F25	برخورد نامناسب و شدید با کشاورزان معترض به فعالیت کارشناسان صندوق بیمه



خرده مقولات	کدها	مفاهیم
	E20	بسته بودن نظام بیمه و برخورد شدید با کارشناسان معترض
	E21	چند شغله بودن برخی کارشناسان
برخورداری	E22	برخوردار نبودن کارشناسان از امکان نقل و انتقال در سطح استان
نبودن	E23	پایین بودن درآمد برگرفته از فعالیت کارگزاری در صندوق بیمه
کارشناسان از	E24	نبود ایجاد انگیزه و تشویق در کارشناسان متعدد
امنیت شغلی و	E25	نبود توجه و سرمایه‌گذاری کافی در گستره آموزشی کارشناسان
توجه نداشتن	E26	رتبه‌بندی واقعی و تفکیک کارشناسان بر حسب سطوح مهارت
صندوق بیمه	E27	تأمین نشدن تسهیلات لازم در همکاری با بخش خصوصی
به حقوق آنان	E28	پرداخت دیرهنگام کارمزد کارشناسان
	E29	از بین رفتن منزلت اجتماعی کارشناسان ارزیاب و تبدیل شدن آنان به مترادف
	F26	نبود همکاری مناسب صندوق بیمه با مراکز خدمات در زمینه ترویج مدیریت مناسب مزارع
	F27	همکاری نداشتن صندوق بیمه با رهبران محلی و شورای روستاها برای اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه امور بیمه
پایین بودن	E30	نبود تبادل مناسب اطلاعات میان جهاد کشاورزی و نظام بیمه در زمینه محاسبه هزینه واقعی تولید در تعیین سقف تعهدات بیمه‌ای
سطح مشارکت	E31	نبود همکاری مناسب بیمه با بانک کشاورزی در تأمین تسهیلات مورد نیاز کارشناسان ارزیاب از سوی شعبه‌های بانک در شهرستانها
سازمانی نظام بیمه	E32	نبود همکاری و هماهنگی مناسب صندوق بیمه با مراکز خدمات و شوراهای روستا
نبود	F28	ارائه نشدن آموزشهای ترویجی مناسب در زمینه مزیت‌های بیمه و جلب مشارکت کشاورزان
زیرساخت‌های فرهنگی	F29	نبود تلاش در جهت اصلاح تفکر نادرست کشاورزان پیرامون بیمه و در نظر گرفتن آن به عنوان منبع درآمد
	E33	نبود سرمایه‌گذاری کافی در فرهنگسازی بیمه محصولات کشاورزی در جوامع روستایی
	E34	دیدگاه نادرست کشاورزان پیرامون بیمه به عنوان منبع درآمد



خرده مقولات	کدها	مفاهیم
	E35	قطعه قطعه بودن و یکپارچه نبودن زمینهای کشاورزی منطقه بر حسب شرایط فرهنگی آن
	F30	پایین بودن سرعت پرداخت غرامتها
	F31	پایین بودن مبلغ غرامت پرداختی
پایین بودن	F32	دسترسی نداشتن کشاورزان به کارشناسان بیمه در مواقع ضروری
سطح خدمات	F33	عمل نکردن صندوق بیمه به سقف تعهدات عنوان شده در قرارداد بیمه
ارائه شده به	F34	نبود پاسخگویی مناسب از سوی کارشناسان بانک به بیمه‌گذاران مراجعه کننده
بیمه‌گذاران	F35	افزایش سالانه حق بیمه‌ها بدون بهبود خدمات بیمه‌ای
	F36	کم بودن یک شعبه برای رسیدگی به امور بیمه‌گذاران چند دهستان
	E36	عمل نکردن به سقف تعهدات عنوان شده در قرارداد بیمه از سوی صندوق بیمه
	E37	پرداخت نکردن بموقع غرامت به خسارتدیدگان
	E38	کم بودن زمان در نظر گرفته برای بیمه کردن هریک از محصولات
	E39	نبود اطلاع‌رسانی و آموزش مناسب و بموقع در زمینه بیمه به بیمه‌گذاران
	E40	نداشتن محل ثابت و مشخص در داخل روستا برای کارشناسان بیمه‌گر
	E41	برخورد شدید مسئولان با کشاورزان معترض به امور بیمه‌ای
	E42	هزینه بردار بودن فعالیت بیمه‌گری برای کشاورزان
	E43	برخوردار نبود نظام بیمه از دانش نظری و ثبات آن بر پایه تجربه‌های کارشناسان میدانی
ضعف دانش	E44	تعدد ایده‌های مسئولان و کارشناسان
علمی در نظام	E45	تشکیل نشدن جلسه‌های هم‌اندیشی با کارشناسان میدانی
بیمه	E46	بالا بودن و کنترل ناپذیر بودن ریسک در فعالیتهای کشاورزی
	E47	وابستگی اعتباری صندوق بیمه به دولت
مشکلهای	E48	تعطیل شدن کوتاه‌مدت صندوق بیمه به علت کمبود بودجه در سال جاری
تأمین اعتبارات	E49	برخوردار نبودن صندوق بیمه از ردیف بودجه‌ای مشخص برای تأمین اعتبارات
نظام بیمه	E50	درآمد پایین کشاورزان و توانمند نبودن آنان در پرداخت کامل حق بیمه در صورت حذف یارانه سهم دولت

F= Farmer

E=Expert

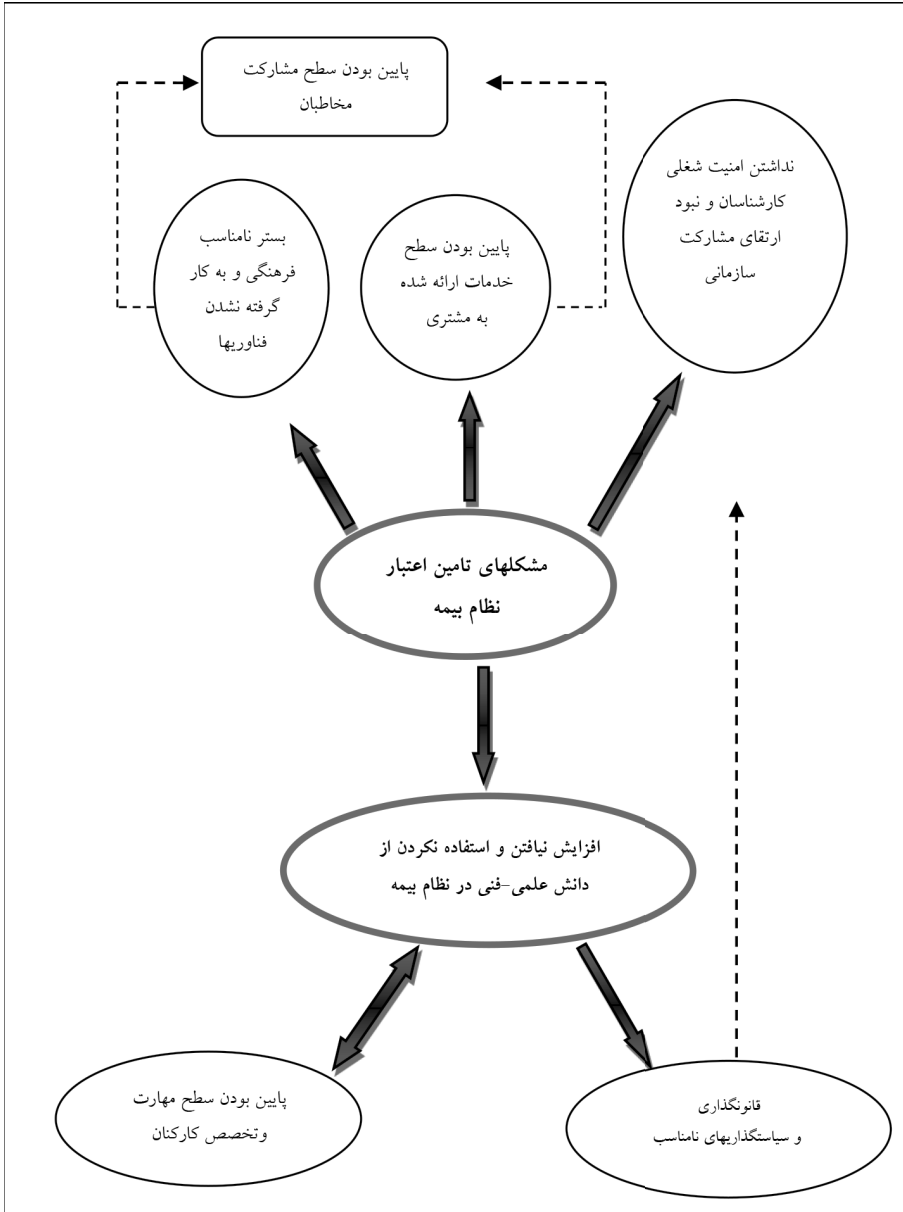
برگرفته از: یافته‌های پژوهش

پس از فرایند کدگذاری، مفاهیم به دست آمده از هر دو جامعه درهم آمیخته شد، به گونه ای که مفاهیم دارای ویژگیهای مشترک، در یک دسته قرار گرفتند و زیرمجموعه یک خرده مقوله مشخص را تشکیل دادند. بدینسان، در کدگذاری باز، افزون بر کدگذاری مفاهیم، ۱۱ خرده مقوله نیز با بیان مفهوم گسترده آنها به دست آمد که عبارت است از: جامع و مانع نبودن قوانین بیمه‌ای وضع شده، ترویج سیاستهای نادرست و سلیقه‌ای مدیران، پایین بودن سطح تخصص و مهارت کارشناسان به‌کارگرفته‌شده، ضعف صندوق بیمه در به‌کارگیری فناوریهای نوین، توجه نداشتن کافی به حقوق ارباب رجوع در نظام بیمه، برخوردار نبودن کارشناسان از امنیت شغلی و بی‌توجهی صندوق بیمه به حقوق آنان، پایین بودن سطح مشارکت سازمانی نظام بیمه، نبود زیرساخت‌های فرهنگی، پایین بودن سطح خدمات ارائه شده به بیمه‌گذاران، ضعف دانش علمی در نظام بیمه و مشکلاتی تأمین اعتبارات نظام بیمه.

همچنین، پژوهشگر، همزمان با انجام کدگذاری باز، وارد کدگذاری محوری شد که این تغییر مرحله برای وی ملموس نبود. سپس از راه مقایسه ابعاد و ویژگی مربوط به طبقه‌های خرد به دست آمده در کدگذاری باز، تلاش شد تا خرده‌مقولات مرتبط با هم، در یک طبقه جدید جای گیرد؛ به‌گونه‌ای که برحسب ویژگیهای مشترک و موجود میان خرده‌مقولات در هر طبقه، نامگذاری طبقات هم وسیعتر انجام گرفت و ۸ مقوله وسیعتر و مشترک از طبقه‌بندی آنها به دست آمد. مقولات پیشگفته نیز، در جدول شماره ۲ نگاشته شده است.

در پایان، پژوهشگر توانست در مرحله کدگذاری انتخابی، نخست، ارتباط میان مقوله‌ها را که طی مرحله کدگذاری محوری به دست آمده بودند، مشخص کند. بدینسان، روابط موجود میان آسیبهای شناسایی شده، نمایان شد و آسیب مربوط به تأمین اعتبارات نظام بیمه نیز، به عنوان هسته مرکزی ایجادکننده دیگر آسیبهای شناسایی گردید. سپس پژوهشگر، با مشخص کردن روابط میان دیگر آسیبهای شناسایی شده نگارش یافته در جدول شماره ۲، با هسته مرکزی توانست مدل آسیبهای شناسایی شده در نظام بیمه محصولات کشاورزی را ارائه کند. مدل نظری ارائه شده در این باره در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است.





برگرفته از: یافته‌های پژوهش

نمودار شماره ۱: مدل آسیبهای نظام بیمه محصولات کشاورزی

جدول شماره ۲: مقولات به دست آمده در کدگذاری محوری

مقوله	خرده مقوله
قانونگذاری و سیاست‌گذاری‌های نامناسب	جامع و مانع نبودن قوانین بیمه، سیاست‌گذاری سلیقه‌ای و نامناسب مدیران
پایین بودن سطح مهارت و تخصص کارکنان	پایین بودن سطح مهارت و تخصص کارشناسان
نبود امنیت شغلی کارشناسان و فعالیت نداشتن آنان در بهبود مشارکت برون‌سازمانی	برخوردار نبودن کارشناسان از امنیت شغلی و توجه نداشتن به حقوق آنان، پایین بودن سطح مشارکت سازمانی
پایین بودن خدمات ارائه شده به مشتری	پایین بودن سطح خدمات ارائه شده به بیمه‌گذاران
پایین بودن سطح مشارکت مخاطبان و بی‌توجهی به حقوق آنان	توجه نداشتن کافی به حقوق ارباب‌رجوع در نظام بیمه
افزایش نیافتن و به‌کار نگرفتن دانش علمی-فنی در نظام بیمه	ضعف دانش علمی در نظام بیمه
مشکلهای تأمین اعتبارات نظام بیمه	مشکلهای تأمین اعتبارات نظام بیمه
بستر نامناسب فرهنگی و نبود کاربرد فناوریهایی نوین	نبود زیرساخت فرهنگی مناسب و به‌کار نگرفتن فناوریهایی نوین

برگرفته از: یافته‌های پژوهش



پس از کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی انجام می‌گیرد. کدگذاری انتخابی، فرایند ادغام و تصحیح نظریه است (۱۷). در واقع کدگذاری انتخابی، مرحله‌ای است که طی آن، طبقه‌ها، به طبقه مرکزی مرتبط می‌شوند و نظریه را شکل می‌دهند. به دیگر سخن، در سطح سوم کدگذاری، پژوهشگر، به دنبال فرایند می‌گردد. یک یا دو طبقه اصلی که تمام طبقه‌های فرعی به آن باز می‌گردد و مبنای چارچوب پنداشتی نظریه را خواهد ساخت. برقراری نوعی یکپارچگی در کدها و طبقه‌ها نیز، برای یکپارچگی در نظریه نهایی، سودمند است (۱). نکته مهم در این مرحله، گردهم آمدن همه طبقه‌ها و خرده‌طبقه‌ها، پیرامون محور واحد و عمده‌ای است که زمینه مدل یا نظریه را فراهم می‌سازد. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحقیق، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقه‌ها را دربر می‌گیرد (۴).

در نظام بیمه محصولات کشاورزی در استان کرمانشاه، چالشها و دشواریهایی وجود دارد که سبب شده است تا استان کرمانشاه، پس از گذشت حدود ۱۰ سال از آغاز فعالیت صندوق بیمه، به عکس بسیاری از دیگر استانها و حتی استانهای همجوار خود، مانند استان همدان، از پیشرفت چندانی برخوردار نشود. البته موفقیت‌های

صندوق بیمه در استان کرمانشاه در برخی زمینه‌ها، همچون صنعت مرغداری، درخور تقدیر است، ولی در دیگر زمینه‌ها، بویژه باغ، دام و زراعت، به موفقیت چندانی دست نیافته است. به همین دلیل، پژوهش حاضر، بر آن بود که موانع اصلی و ریشه‌ای پیش روی موفقیت نظام بیمه محصولات کشاورزی در کرمانشاه را با عنوان آسیبهای این نظام، شناسایی و معرفی کند. به امید آنکه، با رفع شدن آسیبهای تهدید کننده نظام بیمه کشاورزی، فعالیتها و خدمات این بخش نیز، بهبود و توسعه پیدا کند.

یادآوری می‌شود، از آنجاکه تاکنون (تا هنگام انجام این پژوهش) پژوهش کارامدی در این زمینه در استان کرمانشاه صورت نگرفته و محقق، به دنبال آن بوده که به نتایج واقعی و کاربردی در صندوق بیمه استان دست یابد؛ روش کیفی و نظریه بنیانی را برای انجام این پژوهش انتخاب کرده است.

اولویتبندی آسیبها

اولویتبندی آسیبهای شناسایی شده از دیدگاه کشاورزان و کارشناسان نیز، در شمار هدفهای این پژوهش بود و با استفاده از روش نظریه بنیانی، تنها می‌توان، شناسایی آسیبها را انجام داد. بدینسان، در این پژوهش، برای اولویتبندی آسیبها، روش رتبه بندی زوجی که از روشهای ارزیابی مشارکتی است، مورد استفاده قرار گرفت. برای انجام رتبه بندی زوجی، ماتریسی از آسیبهای شناسایی شده در مرحله کدگذاری محوری با عنوان طبقه‌های گسترده‌تر فراهم گردید که از مفهوم‌سازی طبقه‌های به‌دست‌آمده، در کدگذاری باز حاصل شدند. ۸ آسیب شناسایی شده از سوی کشاورزان و ۱۰ آسیب‌شناسایی شده از سوی کارشناسان مورد مطالعه، در سطر و ستون ماتریس مربوط به خود، جا داده شد. بدین ترتیب، اولویتبندی آنها از سوی افراد دعوت شده در دو گروه ۸ نفره از کشاورزان و کارشناسان به صورت جدا از هم انجام پذیرفت. در فرایند رتبه‌بندی زوجی، کشاورزان، آسیب مربوط به پایین بودن سطح خدمات ارائه شده را با عنوان مهمترین آسیب و اولویت یکم برگزیدند. سپس آسیب مربوط به توجه نداشتن به حقوق ارباب رجوع را در اولویت دوم، و قوانین نامناسب بیمه‌ای را در اولویت سوم قرار دادند. آسیبهای مربوط به پایین بودن سطح مهارت کارشناسان صندوق بیمه و سیاستگذاری نادرست مدیران را به طور مشترک در اولویت چهارم و آسیبهای مربوط به نبود زیرساخت‌های فرهنگی و پایین بودن سطح مشارکت سازمانی را نیز در اولویت پنجم، معرفی کردند و در نهایت، آسیب مرتبط با به‌کارنگرفتن فناوریهای نوین، در اولویت ششم جای گرفت که نشان‌دهنده



اهمیت کمتر آن نسبت به دیگر آسیب‌های معرفی شده است.

طی رتبه‌بندی زوجی انجام گرفته از سوی کارشناسان، برخوردار نبودن کارشناسان از امنیت شغلی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب مدیران، در اولویت نخست، مشکلاتی تأمین اعتبارهای نظام بیمه و پایین بودن سطح خدمات ارائه شده به مشتری در اولویت دوم، و پس از آن، جامع و مانع نبودن قوانین بیمه‌ای، در اولویت سوم معرفی شدند. سپس در این رتبه‌بندی به ترتیب، به کارنگرفتن فناوریهای نوین در نظام بیمه، پایین بودن سطح مشارکت سازمانی، نبود زیرساخت‌های فرهنگی و ضعف دانش علمی - فنی در نظام بیمه، اولویت‌های چهارم تا هفتم را به خود اختصاص دادند و در نهایت، پایین بودن سطح مهارت و تخصص کارشناسان صندوق بیمه، در اولویت آخر معرفی شد.

بحث و نتیجه‌گیری

برپایه بررسیهای انجام گرفته مشخص شد، صندوق بیمه کشاورزی در شهرستان کرمانشاه، با آسیب‌هایی روبه‌روست که می‌تواند، موفقیت و کامیابی نظام بیمه‌ای و بخش کشاورزی را در دسترس خطر و چالش جدی قرار دهد. برپایه یافته‌های به‌دست آمده، آسیب مربوط به تأمین اعتبارهای نظام بیمه، عامل اساسی پدید آورنده دیگر آسیب‌های این نظام به شمار می‌آید. در واقع، هدف از پایه‌ریزی و راه‌اندازی صندوق بیمه کشاورزی، کاستن از ریسک بالای بخش کشاورزی و توسعه یافتن این بخش در کشور بوده است. ازسویی، صندوق بیمه‌کشاورزی، یک صندوق حمایتی دولتی به شمار می‌رود که از تولیدکنندگان، بویژه تولیدکنندگان خرده‌پا و سنتی در تولید محصولات پرریسک و با ارزش حمایت می‌کند. ولی صندوق بیمه، رفته‌رفته و به علت حجم بالای خسارتها و کنترل‌ناپذیر بودن آن در کشور، از هدفهای خود به دور ماند یا به دیگر سخن، چندان نتوانست به هدفهای خود دست یابد؛ بویژه اینکه بودجه دولتی در نظر گرفته شده برای آن، به اندازه‌ای نبوده است که بتواند خسارتهای وارد شده به این بخش را به‌طور کامل جبران کند. همچنین، از دیگر دلایلهای پدید آمدن این آسیب، برخوردار نبودن صندوق بیمه از ردیف بودجه‌ای خاص است.

با این همه، ساختار نظام بیمه کنونی بر این پایه بوده که پس از واگذاری بخشی از فعالیتهای صندوق بیمه به بخش خصوصی، بیشتر فعالیتها به کارگزاران بخش خصوصی به کار گرفته شده در این صندوق، واگذار شود. این در حالی است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، صندوق بیمه کشاورزی، تجربه‌های به‌دست آمده از



سوی کارگزاران بخش خصوصی را چندان مورد توجه و استفاده، قرار نداده است. چنین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی‌ها در صندوق بیمه، به گونه‌ای از بالا به پایین و از سوی کارکنان ستادی انجام می‌گیرد و آنها نیز می‌کوشند تا ضمن بازدید از کشورهای پیشرفته، بویژه کشورهای اروپایی، از چگونگی و شیوه مدیریت بیمه کشاورزی و شرایط و قوانین بیمه در این کشورها، الگوبرداری کنند و نظام بیمه کشاورزی ایران را با وجود شرایط فرهنگی و زیستی متفاوت، مطابق با آنها اداره کنند. این اقدام، باعث می‌شود که برنامه‌ریزی‌ها با شرایط واقعی موجود در کشور هماهنگ و سازگار نباشد و فرایند توسعه نظام بیمه را ناکام سازد. این مسئله اساسی، درجای خود نیز، به پدیدار شدن آسیب‌های دیگری انجامیده است که در نهایت، اثرها و پیامدها آن در شیوه اداره نظام بیمه سراسر کشور، از جمله شهرستان کرمانشاه، بروشنی دیده می‌شود.

قانونگذاری (وضع قوانین) نامناسب و سیاستگذاری سلیقه‌ای و نادرست نیز، آسیب دیگری است که می‌توان آن را به گونه‌ای، برگرفته از برخوردار نبودن نظام بیمه از دانش نظری دانست. در واقع می‌توان گفت، به علت نبود هم‌اندیشی میان مسئولان با کارگزاران میدانی و باتجربه‌ای که در ارتباط مستقیم با جوامع روستایی و کشاورزان هستند، قوانین به گونه‌ای تدوین و مقرر می‌شود که نه کارشناسان صندوق می‌توانند فعالیت خود را با آن هماهنگ سازند و نه کشاورزان از این سیاستگذاری‌های سلیقه‌ای، احساس رضایت می‌کنند.

آسیب دیگری که برپایه یافته‌های این پژوهش، برخاسته از برخوردار نبودن نظام بیمه از دانش نظری است را می‌توان، پایین بودن سطح مهارت و تخصص کارشناسان دانست. این آسیب، ارتباطی دوسویه و تنگاتنگ با ارتقا و افزایش نیافتن و به‌کاربرده نشدن دانش علمی - فنی در نظام بیمه دارد و می‌توان هر یک از این دو را عامل پدید آمدن دیگری دانست. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش نشان داد که صندوق بیمه، به جای تلاش کردن در راستای حفظ کارشناسان باتجربه‌ای که هزینه‌های گزافی نیز برای آموزش و آشنایی آنها با فعالیتهای بیمه‌ای، صرف شده است، شاید به دلیل کمک به رفع نگرانیهای اجتماعی و فرهنگی درباره بالا بودن آمار دانش‌آموختگان بیکار بخش کشاورزی و نگرانی از بالا رفتن انتظارات کارشناسان با سابقه خود، بر افزایش کمی نیروی انسانی تأکید داشته و به دنبال به‌کارگیری کارشناسان جدید و تازه‌کار است. در این شرایط، تعداد کارشناسان باتجربه، کاهش می‌یابد و فعالیتهای نظام بیمه در ارائه خدمات به بیمه‌گذاران نیز، با دشواریهایی روبه‌رو می‌شود.



در پایان، باتوجه به یافته‌های این پژوهش، و در راستای رفع موانع و دشواریهای موجود، مواردی همچون: تعیین ردیف بودجه‌ای خاص برای صندوق بیمه یا تبدیل این صندوق به سازمان بیمه کشاورزی از سوی دولت، رتبه‌بندی کارشناسان، برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، تلاش برای افزایش مهارت و تخصص آنان، برگزاری کلاسهای آموزشی - ترویجی در زمان مناسب و در مناطق ناآشنا با بیمه و استفاده از مروجان متخصص در این زمینه، تلفیق فعالیت بیمه‌گری و ارزیابی کارشناسان و تغییر شکل شرکتهای بیمه‌ای و تبدیل آنها به مراکز خدمات بیمه‌ای مستقر در مراکز دهستانها، پیشنهاد می‌شود.



منابع:

۱. ادیب‌حاج باقری. م، پرویزی. س، و صلصالی. م. (۱۳۸۹)، «روشهای تحقیق کیفی»، انتشارات بشری.
۲. ادیب‌حاج باقری. م، صلصالی. م، و احمدی. ف، (۱۳۸۳)، «تحقیق کیفی بر مفهوم توانمندی حرفه ای در پرستاری»، فصلنامه علمی-پژوهشی فیض، شماره ۲۹.
۳. بهرامی. ع، و آگهی. ح، (۱۳۸۴)، «مدیریت ریسک در مزارع کشاورزی»، فصلنامه پژوهشی بیمه و کشاورزی، سال دوم، شماره هشتم.
۴. پاپ زن. ع، (۱۳۸۲)، «طراحی مدل تلفیقی دانش بومی و رسمی به منظور دستیابی به رهیافتی سامانه‌ای_مشارکتی در شهرستان کرمانشاه»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۵. حیدرپور. ز، و ایروانی. ه، (۱۳۸۵)، «بررسی چالشها و تنگناهای توسعه بیمه کشاورزی در دو بخش دولتی و خصوصی در ایران»، فصلنامه بیمه و کشاورزی، سال سوم، شماره یازدهم.
۶. دریجانی. ع، و قربانی. م، (۱۳۷۷)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه‌کنند (مطالعه موردی: استان مازندران)»، مجموعه مقالات دومین گردهمایی اقتصاد کشاورزی ایران. کرج: دانشکده کشاورزی.
۷. راستگو. ح، و رضوانفر. الف، (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه بیمه محصولات راهبردی کشاورزی در شهرستان خداآباده»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۵۸.
۸. سلیمی. ح، و عین‌الهی احمدآبادی. م، (۱۳۸۰)، «عامل های مؤثر بر تمایل کشاورزان چغندرکار به خرید بیمه محصولات کشاورزی: مطالعه موردی استان خراسان»، مجموعه مقالات همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه گذاری، بانک کشاورزی ایران.
۹. شاهنوشی. ن، عدالتیان. ع، خاکسار آستانه. ح، رسول زاده. م، و سوقندی. م، (۱۳۸۶)، «بررسی شیوه و چگونگی ارائه مطلوب خدمات بیمه کشاورزی، (پژوهش موردی: استان خراسان رضوی)»، فصلنامه بیمه و کشاورزی، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶.
۱۰. کرمی. ع، زمانی. غ، و کشاورز. م، (۱۳۸۶)، «پایداری نظام بیمه محصولات کشاورزی» فصلنامه بیمه و کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴.
۱۱. قربانی. م، و مجرد. ع، (۱۳۸۵)، «بررسی تاثیر بیمه، شرایط اقلیمی و نهاده ها بر نابرابری درآمدی پنبه کاران خراسان»، فصلنامه بیمه و کشاورزی، شماره ۱۲.
۱۲. نعمی نظام‌آبادی. م، (۱۳۷۷)، «بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر گسترش و توسعه بیمه محصولات کشاورزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
13. Akcaoz. H. & Ozkan. B. (2005), "Determining risk Sources and Strategies Among Farmers of Contrasting Risk awareness: A case Study for Cukurova Region of Turkey", *Journal of Arid Environments*.
14. Glaser. B. G., & Strauss. A. L. (1968), "Awareness of Dying The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research".
15. Hazell. P. B. R. (1992), "The appropriate role to Agricultural Insurance in Developing Countries", *Journal of Development*.
16. Mishra. P. K. (1999), "Planing for the Development and Operation of Agricultural Insurance Schemes, in Asia", Report of the APO seminar on Agricultural insurance Held in Manila Philippines.
17. Strass. A. & Corbin. J. (1990), "Basics of Qualitative Research: Grounded theory procedurs and techniques". New bury park.



The Pathology of Agricultural Insurance System

A Case Study: Kermanshah City

Dr. A. H. Alibaygi* , Z. Adinehvand**

Abstract

The general objective of this research is to do the Pathology of agricultural products insurance system, while its specific objectives include the identification and prioritization of the harms to agricultural products insurance system from the viewpoint of the farmers of Dorud faraman Village who have adopted the insurance, and the insurance experts in Kermanshah city. The present research was conducted as a qualitative research, namely the "Grounded Theory". In the beginning, the required data was collected in different ways (such as interviews, focus group discussion, and so on) from the farmers of Dorud faraman Village as well as the experts working in Kermanshah city. Following the data analysis, the triple coding of the Grounded theory was used to present the identified harms to the insurance system. In the next step, Paired Ranking Method, which is a method for evaluating rural cooperation, was applied to prioritize the identified harms caused by both groups under study. To measure the validity of the designed model, various methods were used including triangulation, members control, etc. according to the provided model, the agricultural products insurance system faces some harms and restrictions as follows: the difficulties in providing the insurance system security, the lack of promotion and application of theoretical knowledge, the low levels of skills and expertnesses of insurance experts, inappropriate policy-making and legislation, low levels of services offered to customers, inappropriate cultural context and not using modern technologies, lack of job security for experts and doing no efforts by them to improve institutional relations, ignoring the clients' rights, and low levels of their participations in the insurance system. Hence, if the agricultural insurance fund tries to remove these harms, it will be partially able to achieve its final goals, i.e. developing the agricultural sector.

Key words:

Agricultural Insurance Fund, Pathology, Insurance System, Grounded Theory, Kermanshah City.

* associate professor in College of Agriculture, Razi University

Email: baygi1@gmail.com

** MSc in Agricultural Extension and Education. The corresponding author

Email: adineseven@yahoo.com

